

## فجایعی که نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی به بار آورده اند

نگرفته بلکه به گواه تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی مدام وضعیت وخیم تر شده است. معضل هم به این خلاصه نمی شود که این پدیده ها عواقب اجتناب ناپذیر نظام سرمایه داری اند، بلکه سیاست های ارجاعی حکومت اسلامی نقش مهمی در تشدید آنها داشته و دارد. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی نه تنها راه حلی حتی در محدوده تخفیف این معضلات اجتماعی ندارد، بلکه بالعکس، موجودیت اش برپایه پیشبرد سیاست های قرار گرفته است که این معضلات اجتماعی را تشدید می کند.

حتی در آنجائی که رژیم رشد این مصائب اجتماعی را تهدیدی برای موجودیت خود می بیند، بازهم راه حلی ولو مقطوعی و کوتاه مدت ندارد.

اکنون همه سران و کارگزاران رژیم از خطری که رشد بیکاری برای موجودیت حکومت اسلامی دارد، سخن می گویند و از آن به عنوان بحرانی ملی یاد می کنند. وزیر اطلاعات رژیم به صراحت می گوید که این یک "تهدید ملی" ست که باید تمام حکومت برای مقابله با آن بسیج شوند والبته روشن

نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و سیاست های اقتصادی حکومت اسلامی چنان نتایج اجتماعی فاجعه باری به بار آورده اند که در بنوی خودو در ایران بی سابقه اند. ابعاد این فجایع اجتماعی چنان وسیع و دهشتگان - اند که حتی طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار نظم موجود نیز جرات انکار این حقایق را ندارند که اکثریت مردم ایران زیرخط فقر زندگی می کنند. فقر و گرسنگی هیبتی به وسعت سراسر ایران دارد. بیکاری چنان گسترده است که نمونه ای در چند دهه گذشته نمی توان برای آن سراغ گرفت. گسترش بی سابقه فحشاء به حد رسیده است که مقامات حکومت مذهبی نیز بی پرده از آن سخن می گویند و آمار وارقامی از رشد آن ارائه می دهند. مطبوعات تحت سانسور وابسته به رژیم که حتی اخبار مربوط به حوادث را حساب شده منتشر می کنند پر از اخبار مربوط به خودکشی در میان جوانان و قتل های فجیع. این واقعیات راهمه حتی هیئت حاکمه نیز می دانند و مداوما تکرار شده اند، اما نه تنها هیچ بهبودی در اوضاع در محدوده ولو تخفیف این مصائب اجتماعی صورت

## یک اقدام بی شرمانه!

روزنامه "ایران" از قول خبرگزاری "ایرنا" چنین اعلام نمود که جمهوری اسلامی پس از هجده سال، روز پنجم شنبه هفتم زوین در نشست "کنفرانس بین المللی کار" در رنو، ارسوی "کمیته استانداردهای کار" از فهرست ناقضین اصول و حقوق بین المللی کار خارج شده است.

هرانسان رحمتکش و هر کارگر آگاهی که در ایران این خبر را بشنود، کارگری که زیر شدید ترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار دارد و حقوق اولیه اش، هر روز به خشن ترین نحوی توسط رژیم نقض و انکار می شود، نه فقط چنین تصمیم وقاضاوی را محکوم می کند، بلکه بیش از پیش به نقش ارگان ها و نهادهای بین المللی تحت نفوذ انحصارات مالی و این که این ارگان ها چگونه می توانند با ارجاعی ترین رژیم - های ضد کارگری نیز به زد و بند و معامله بنشینند و در راستای تامین منافع سرمایه جهانی حتی چارچوبها و معیارهای بورژوائی خود را نیز نقض نمایند، بی می برد. البته جمهوری اسلامی چندین سال است برای معرفی خود به عنوان یک رژیم متعارف بورژوائی در تلاش و تکاپوست. این تلاشها، به ویژه بعد از روی کار آمدن خاتمی فزوونی گرفته است. همراه شدن با اقتصاد بین المللی و پذیرفته شدن در نظام جهانی و بین المللی برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت بسیار زیادی است. سرمایه داری ایران و بحرانی که سر تا پای مراکز اقتصادی و تولیدی را فراگرفته است، این سمت گیری را به رژیم دیکته می کند و رژیم بدان امید که به کمک مراکز مالی و تجاری جهانی و سرمایه های خارجی، براین بحران چیره گردد، چندین

صفحه ۲

## خلاصه گزارش عفو بین الملل از شکنجه و اعدام در ایران ۸

### مبارزات مشترک زنان فلسطینی و اسرائیلی برای صلح و حمایت بین المللی از آن

۸

### نخستین سال دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی تأییدی بر آنچه که در گذشته بود

این هیاهو ها نیست . دوم خرداد و هجده خرداد هم می گذرند و همان اصلاح طلبان درون و برون حکومتی از "نقداصالات" "دلایل" ناکامی های اصلاحات" یا "حاکمیت دوگانه" و غیره سخن می گویند . اگر تمام این واژه ها را درون فرهنگ سیاسی در نظر بگیریم و بحث ها و سخنان اصلاح طلبان

در طی دو سه سال نخست پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، "اصلاح طلبان" درون و برون حکومتی کوشش می کردند که این روز را به جشن و گرامیداشت دوران تازه ای به نام "اصلاحات" در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنند. اکنون که پنج سال از "انتخاب" نخست و یک سال از ادامه ریاست جمهوری خاتمی برای دومین دور می گذرد، دیگر خبری از

صفحه ۵

## دراین شماره

### قطعنامه ها

- ۱ اخبار از ایران
- ۲ خبر کارگری جهان

### قطعنامه ها

- ۱ اخبار از ایران
- ۲ خبر کارگری جهان

## یک اقدام بی‌شمانه!

سال است که در این مسیر کوشش می‌کند. به عنوان نمونه جمهوری اسلامی مدتهاست برای پذیرفته شدن در سازمان تجارت جهانی WTO به هدایت می‌زند. امایکی از پیش شرطهای پذیرفته شدن در سازمان تجارت جهانی و ادغام‌همه جانبه‌دریاچه‌جهانی، امضاء مقاوله نامه‌های مرکزی سازمان جهانی کار (ILO) می‌باشد. ۸ مقاوله نامه‌ILO (کنوانسیون‌های مرکزی)، اصول پایه‌ای این سازمان را تشکیل می‌دهد که در مذاکرات با دولتها نیز، عموماً روی همین اصول پایه‌ای بحث و گفتگو می‌شود. جمهوری اسلامی که برای امضاء استانداردهای بین‌المللی کار (کنوانسیون ۹۸، ۸۷، ۱۳۸۰) اظهار تمایل کرده بود، مقدمتاً موظف شده بود گزارشی درمورد وضعیت حقوقی و عملی در باره موضوع هریک از مقاوله نامه‌ها را به سازمان جهانی کار ارائه دهد. درگزارشی که سال گذشته جمهوری اسلامی به این سازمان ارائه داد، چنین ادعا شده بود که در ایران ایجاد تشکل‌های کارگری (و کار فرمایی) آزاد است و حتی نیاز به مجوز هم ندارد. در مورد شرایط کار و قراردادهای دسته جمعی نیز ادعا شده است که شرایط کار، چه در سطح واحدهای محلی و چه در سطح هر شاخه صنعت و حرفه می‌تواند از طریق قراردادهای دسته جمعی تعیین شود. در این گزارش از سوراهای اسلامی کار و خانه کارگر نیز به عنوان تشکلهای کارگری اسم برده شده است.

مبناً این ادعا‌ها و نقطه انتکاء آن، بند - هایی از قانون اساسی و قانون کار رژیم است. در گزارش حتی چنین ادعا شده است که دولت در تشکیل و مداخله ای ندارد. - هایی هیچ نقش و مداخله ای ندارد. با وجود آنکه این موضوع برای جمهوری اسلامی حائز اهمیت جدی بود که سازمان جهانی کار، ایران را به عنوان کشوری که تشکل‌های کارگری و قراردادهای مطباق دارد، در آن با معیارهای بین‌المللی مطابقت دارد، به رسمیت بشناسد، اما ظاهرا در آن مقطع هنوز توافقات و تضمین‌های مورد نظر سرمایه بین‌المللی و نهادهای وابسته آن تأمین نشده و لاجرم زمان برطرف سازی محدودیت‌های نزدیک بود. از همین رو، دفتر منطقه‌ای آسیا و پاسیفیک سازمان جهانی کار در گزارش خود به سیزدهمین نشست منطقه‌ای آسیادر بانکوک، به رغم تعریف و تمجید تلویجی از دولت جمهوری اسلامی، به این مسئله اشاره کرد که خانه کارگر برای آنکه بتواند از جانب جامعه بین‌المللی اتحادیه‌های مستقل و آزاد به رسمیت شناخته شود، هنوز به اندازه کافی نقش خود را به منزله تشکل آزاد و مستقل کارگران، کاملاً ثابت نکرده است. معهذا تداوم و تعمیق اجرای

## آخری اذ ایوان

### \* اعتضاب و تحصن در "بافت آزادی"

صد ها تن از کارگران "شرکت تولیدی بافت آزادی" در تهران، که از اوایل خرداد ماه دست به اعتضاب زده بودند، به اعتراض خویش ادامه می‌دهند. کارگران طی این اقدامات اعتراضی، خواستار پرداخت حقوقهای معوجه و بازگشت به کار کارگران اخراجی شدند. شایان ذکر است که شماری از کارگران این کارخانه، در جریان اعتراضات کارگری و به اتهام سازماندهی این اعتراضات، اخراج شده‌اند.

### \* تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران جامکو

صد ها تن از کارگران شرکت جامکو برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و روز پنجم خردادماه با تجمع دربرابر وزارت صنایع و معادن، خواستار پرداخت حقوقهای معوجه و رسیدگی به مشکلات خود شدند. کارگران در ادامه اعتراضات خود، روز بعد نیز ابتدا در برابر شرکت جامکو یک تجمع اعتراضی برپا کردند و سپس به سمت دفتر خاتمه دست به راهپیمایی اعتراضی زدند. بیش از ۱۶ ماه است که حقوق و مزایای کارگران جامکو پرداخت نشده است.

### \* اعتضاب در فولاد گستران

روز دوشنبه سیزدهم خرداد ماه، کارگران کارخانه "فولاد گستران سپاهان" در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت فوری حقوقهای عقب افتاده خود شدند. بیش از چهار ماه است دستمزد کارگران پرداخت نشده است.

### \* تجمع اعتراضی مجدد کارگران پوشک لرستان در مقابل استانداری

کارگران کارخانه پوشک لرستان مجدد روز ۸ خرداد در مقابل استانداری لرستان تجمع نمودند و خواستار تحقق مطالبات خود شدند. در پی تعطیل کارخانه پوشک لرستان، دو سال پیش مقامات محلی در پاسخ اعتراضات کارگران تقبل نمودند، این واحدهای تولیدی را مجدداً دائر کنند، در غیر این صورت بیمه بیکاری به کارگران بپردازند و پس ازانقضای مدت‌آن، این کارگران بازنیسته شوند. معهذا آنها به وعد خود عمل نکردند. اکنون کارگران بلاتکلیف مانده اند و کسی پاسخگو نیست. کارگران پس از چند بار تجمع در مقابل

سیاستهای اقتصادی انحصارات مالی و تعمیق و تداوم بده بستان‌ها، امضاء یازده مقاوله نامه‌توسط جمهوری اسلامی را درپی داشت. جمهوری اسلامی در اوایل سال جاری می‌لایدی نیز اجازه یافت دومقاوله نامه در زمینه منوعیت کار کودکان را امضاء کند و آخرین خبرایین است که درنشست کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو، "کمیته استاندارد - های کار"، جمهوری اسلامی را ازفهرست ناقصین اصول و حقوق بین‌المللی کار، خارج ساخته است. این در حالی است که حقوق کارگران ایران سال هاست شدیداً نقض شده و هر روز دارد نقض می‌شود. نیازی به گفتن نیست که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، ارگان‌های دست ساز حکومتی و وابسته به رژیم‌اند که هیچ ربطی به تشکل‌های مستقل ندارند. کارگران در ایران، هم از ایفای نقش و مداخله در تعیین شرایط کار و همازحق برپایی تشکل - های مستقل خویش محروم اند و در بی حقوقی مطلق نگاه داشته شده اند. در اکثر قریب به اتفاق واحدها و مراکز تولیدی اثری از اجرای قراردادهای دسته‌جمعی نیست بماند، که با بی رحمی تمام، این قراردادهای موقت است که دارد اعمال و پیاده می‌شود و این صرفا کارفرماس است که درمورد استخدام و یا اخراج کارگر تصمیم می‌گیرد.

در برابر تمام این زورگویی‌ها و بی حقوقی‌ها، کارگران حتی حق اعتراض و اعتضاب هم ندارند. درست در آستانه شاهکارکمیته "استانداردهای کار" کنفرانس بین‌المللی کار ژنو در خارج ساختن جمهوری اسلامی از لیست نقض کنندگان اصول و حقوق بین‌المللی کار، وزیر کار رژیم در "همایش ملی" در تهران با این بهانه که تجمع کارگران دربرابر وزرات خانه، موجب شکسته شدن "حرمت کار" می‌شود، باتجتمعات و اعتراضات کارگری مخالفت و کارگران را تهدید می‌کند و خواجه نوری معاون او، در صدد تغییر قانون کاربه نفع سرمایه داران برآمده است و از تشكلهای کارگری و به اصطلاح کارگری خواسته است تا نظرات خود را برای تغییر قانون کار ارائه دهند. نامبرده در گفتگو با خبر گزاری ایسنا در زمینه اعتضابات کارگری و حق اعتضاب گفت: "طرح بحث اعتضاب، در جامعه قابل قبول نیست". و بدین وسیله نشان داد که مقامات دولتی نه فقط حقی برای کارگران جهت اعتراض و اعتضاب قائل نیستند، بلکه حتی طرح بحث آن را نیز زائد می‌دانند.

در چنین شرایطی اقدام "کمیته استاندارد - های کار" مبنی برخارج ساختن کنندگان اصول اسلامی از فهرست نقض کنندگان اصول و حقوق بین‌المللی کار، اقدام بی‌شمارانه - ای است که مورداً اعتراض کارگران است. هرچند بررسی ماهیت نهادی چون سازمان

## فجایعی که نظم سرمایه داری و حکومت اسلامی به بار آورده‌اند

دولت قایل شده است، خود به خوبی می‌داند که عملی نیست. چرا که خاتمی با ادامه سیاستهای رفسنجانی به شکلی همه جانبه تر درست سرمایه داران را در تشید استثمار و سلب حقوق کارگران بازگذاشته است. بیش از پیش این امکان را به سرمایه داران داده است که به سادگی کارگران را اخراج کنند. آقای خاتمی به سیستم قرارداد موقت رسمیت بخشید و حالا صحبت از این است که اگر در همین قانون کار ارجاعی موجود چیزی ازدست آورده‌ای مبارزاتی کارگران باقی مانده است، آن را هم رسماً از کارگران بگیرند. با این وضع چگونه‌دادعاً می‌شود که تعداد شاغلین یک موسسه کاهش نیابد و کارگران که بر مبنای این وام، استخدام می‌شوند به مدت ۵ سال اخراج نشوند. اگر این طرح رژیم خیلی موفق باشد، بدین شکل در خواهد آمد که سرمایه‌داران با استخدام هر کارگر جدید برمبنای این طرح، یک کارگر را که براساس قراردادهای موقت از قبل مشغول به کار است، اخراج خواهد کرد. یعنی اشتغال جدیدی ایجاد نخواهد شد و تنها نتیجه‌اش اعطای وامهای کلان به سرمایه داران و سودهای بیشتر برای آنهاست. این نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی هیچ راه حلی حتی برای تعدیل معضل بیکاری ندارد. نتیجه این امر آن است که همچون گذشته بر تعداد کارگران بیکار افزوده خواهد شد. به تبع این افزایش بیکاران، استثمار کارگران شاغل تشید خواهد شد. سطح معیشت کارگران بازهم تنزل خواهد کرد. بالافزایش تعداد بیکاران، بر تعداد فقرا و گرسنگان افزوده خواهد شد. گسترش بیکاری، نتایج وحشتناک دیگری در پی خواهد داشت. رواج روزافزون اعتیاد و روی‌آوری بخش وسیع تری از جوانان به مواد مخدر، یکی از پی‌آمدهای بیکاری و فقدان هرگونه چشم انداز است. ۲ تا ۳ میلیون معتاد، نتیجه علی‌الحساب بیکاری و سیاست‌های ارجاعی حکومت اسلامی است. گسترش فحشاء در ابعادی که پیش از این در ایران سابقه نداشت، یکی دیگر از نتایج آنست. خودکشی در ابعاد کنونی آن درکلیت خودنتیجه‌چیز دیگری جز سیاستهای ارجاعی حکومت اسلامی در زمینه اقتصادی و اجتماعی نیست. اکثر کسانی که دست به خودکشی می‌زنند، بیکارند و هرگونه چشم اندازی را به آینده از دست داده‌اند. چند روز پیش روز نامه‌های وابسته به رژیم خبر دادند که در سال گذشته آمار خودکشی در گیلان ۷۶ درصد در مقایسه با سال قبل از آن افزایش یافته است و در طول دو ماه گذشته، ۳۰ نفر اقدام به خودکشی کرده‌اند. میانگین سنی این افراد بین ۲۰ تا ۴۰ بوده است. تمام این واقعیات نتایج فاجعه بار نظم اقتصادی

صفحه ۵

دهد، البته مشروط به این که به مدت ۵ سال نیروی کاری که استخدام می‌شود، حفظ گردد و دوم این که تعداد نیروی کار قبلی را کاهش ندهند. با این حساب و با همین سهولت یک میلیون بیکار مشغول به کار می‌شوند. اگر چنین ادعایی نه از جانب رژیم حاکم برایان، بلکه از جانب قدرت‌های اقتصادی جهان نظری آمریکا، رژیم، آلمان مطرح می‌شد، باز هم هیچ کس تردید به خود را نمی‌داد که این یک ادعای پوج و توخالی است. چون اولاً - اقتصاد سرمایه‌داری قانونمند های خود را دارد و ایجاد اشتغال تابع قوانین و مصوبات سران حکومت نیست. ثانیاً - نه امروز در شرایطی که جهان سرمایه‌داری با یک بحران اقتصادی روبروست، بلکه در دوره‌های بهبود و رونق نسبی هم در کشورهای پر قدرت سرمایه‌داری، ایجاد اشتغال یک‌میلیونی در طول ده ماه عملی نیست. بنابراین در سرمایه‌داری حاکم برایان و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مطلاقاً چنین چیزی امکان پذیر نیست. آنچه که در عمل بموقوع خواهد پیوست، در مرور اجرای پیش‌بینی برنامه سوم، در بهترین حالت، همان روال دو سال گذشته است که در واقعیت امرنیمی از رقم پیش‌بینی شده هم تحقق نیافت، یعنی شاید از مجموع نیم میلیون نفر پیش‌بینی برنامه سوم، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تحقق یابد، که آن هم جایگزین باز نشسته‌ها و کسانی می‌شود که به تازگی بیکاری شوند. نیم میلیون دوم هم اصلاً تحقق خواهد یافت و یا آنقدر ناچیز خواهد بود که به حساب نمی‌آید، چون افزایش تعداد شاغلین با رونق اوضاع اقتصادی و نیاز به سرمایه‌گذاری گذاری‌های جدید، نیاز به افزایش تولید و امثال‌هم مرتبط است. سرمایه‌داران ایران با کمبود پول و سرمایه برای سرمایه‌گذاری بیشتر و تولید بیشتر روبرو نیستند که وام سه میلیونی در ازای استخدام هر کارگر در این میان موثر باشد. آنها سرمایه‌های پولی هنگفتی در اختیار دارند، اما کشش پذیری محدود اقتصاد سرمایه‌داری، بحران اقتصادی موجود و علاوه بر این، بحران سیاسی حاکم بر ایران این امکان را به آنها نمی‌دهد که سرمایه‌گذاری بیشتری کنند. از همین راست کاغلب، سرمایه‌های خود را به کشورهای هم‌جوار صادر کرده‌اند. آنها میلیاردها تومانی را که دولت ظاهراً به امر ایجاد اشتغال جدید اختصاص داده است، می‌گیرند و چند برابر سود آن را شاغلین بیافزایند. در واقع شروطی که است که منظور او از "تهدید ملی" تهدید موجودیت رژیم است. نماینده مجلس و یکی از سران تشکل‌های به اصطلاح کارگری وابسته به رژیم به نام سرحدی زاده، هشدار می‌دهد که "کشور دارد از دست می‌رود" و با این اوضاع "مشکل اشتغال حل شدنی نیست". منظور ایشان هم از "از دست رفتن کشور" البته چیزی جز پایان حکومت اسلامی نیست. خامنه‌ای، خاتمی، وزرای رنگارانگ امور اقتصادی نیزه‌های در مرور مسئله بیکاری و یافتن راه حلی برای آن سخن می‌گویند و پی در پی وعده می‌دهند. با تمام این اوصاف راه حلی ارائه نمی‌دهند و اصولاً یک چنین راه حلی ندارند که ارائه دهند. برخی نظری وزرای کار و اطلاعات رژیم، این را با صراحت بیشتری ابراز می‌دارند. آنها تخفیف معرض بیکاری رانه در ایران بلکه در خارج از مرزهای ایران جستجو می‌کنند. وزیر اطلاعات رژیم می‌گوید که راه حل تخفیف مسئله بیکاری به ویژه نیزی مخصوص در این است که "زمینه اعزام این افراد به سایر کشورها فراهم شود تا ضمن کاستن از تعداد بیکاران، فرهنگ ملی خود رانیز به سایر کشورها گسترش دهیم" این اظهارات بیان چیز دیگری جز اعتراض آشکار وزیر اطلاعات رژیم به این حقیقت نیست که رژیم هیچ راه حل جدی برای تخفیف مسئله بیکاری در داخل ایران ندارد. معهذا همه به این صراحت سخن نمی‌گویند و سران اصلی رژیم هنوز به مردم وعده می‌دهند. خاتمی که برای تخفیف بحران اقتصادی و معرض بیکاری تمام سرمایه‌داران داخلی و خارجی را به پاری طلبیده است و با این همه در ۵ سال گذشته دست آورد دیگری جزاً افزایش بیکاری و تنشید فقر و فلاکت نداشته است، برای آرام کردن کارگران و زحمتکشان بازهم وعده‌های توخالی می‌دهد. اگر در طول تمام دوران زمامداری وی، هر ساله صدها هزار تن بر تعداد بیکاران افزوده شده‌است، اگر وعده‌هایی برای برنامه سوم برای ایجاد اشتغال ۷۵ هزار نفری در هر سال تاکنون عملی نشده است و عجالتاً تعداد بیکاران دست کم سریه ۵ میلیون می‌زند، اکنون ایشان ادعا می‌کنند که در طول ده ماه‌آینده می‌خواهند یک میلیون شغل برای بیکاران ایجاد کنند. چگونه؟ بسیار سهل و ساده. نیم میلیون بیکار به فرموده برنامه سوم مشغول به کارمی‌شوند و نیم میلیون دیگر بین طرق که دولت در ازای استخدام هر یک نفر، سه میلیون تومان به کارفرمایان وام می-

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحه برانداخت**



در نشست ناتو در شهر رم، نتایج این گفتگوها را به گوش سران ناتو نیز باید می‌رساند. اما این تنها سران دولت‌های اروپایی بودند که بدون قید و شرط به شروط این ژاندارم جهانی گردن گذاشتند و در گام نخست تامین بخشی از هزینه‌های ماشین جنگی آمریکا را به عهده گرفتند. خارج از دیوارهای ضخیم اتاق‌های گفتگو و در خیابان‌های شهرهای بزرگ نظیر برلین و پاریس دهها هزار نفر به انتظار این سرکرد امپریالیستها نشسته بودند تا با برگزاری راهپیمایی و تظاهرات نفرت و انتزاع خود را از سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیست‌ها و نماینده جنایتکار آنان به نمایش بگذارند. در روزهای ۲۲ و ۲۳ ماه می، بیش از ۷۰ هزار نفر به دعوت ۲۰۰ حزب، اتحادیه، تشکل‌دموکراتیک و سازمانهای مهاجرین در خیابان‌های برلین راهپیمایی کرده و با تجمع در مقابل ساختمان نخست وزیری اعتراض خود را به حضور جورج بوش در این شهر به نمایش گذارند. در همین روز بیش از ۱۰ هزار مامور تا دندان مسلح پلیس از سراسر آلمان در این شهر گرد آمده بود تا سران امپریالیستها بتوانند "آزادانه" در مورد سیاست‌های جنایتکارانه خود به بحث و گفتگو بنشینند. سفر جورج بوش به رویه نیز موجی از اعتراض را در این کشور دامن زد و درادامه هنگامی که وی وارد خاک فرانسه شد، چندین هزار نفر با راهپیمایی در خیابان‌های پاریس سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیستها را محکوم کردند. روز بعد هنگامی که جورج بوش به شهر نرماندی سفر کرده بود تا در مراسم یادبود کشته شدگان جنگ جهانی دوم شرکت نماید، هزاران تن هم‌زمان و با فاصله کمی از این خیمه شب بازی امپریالیستها در خیابان‌ها تجمع نموده و با افشاء چهره واقعی امپریالیستها خواهان توقف جنگ شدند.

### \* آکسیون اعتراضی در استکهلم

در تاریخ بیست و هشتم مه، واحد سازمان ما در سوئد، همراه با شمار دیگری از نیروها و فعالین سیاسی، دراعتراض به همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دولت سوئد با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، آکسیون مشترکی برگزار نمودند. شرکت کنندگان در این اقدام اعتراضی، بانجام راهپیمایی و تظاهرات در برابر اتاق بازرگانی استکهلم دست به تجمع زدند. تظاهرکنندگان ضمن سر دادن شعارهایی چون "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی"، "دولت سوئد معامله می‌کند و رژیم جمهوری اسلامی جنایت!"، "زنده‌اندی سیاسی آزاد باید گردد!"، "شکنجه و اعدام و سنگسار لغو باید گردد!" به افشاء و محکوم ساختن همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دولت سوئد با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی پرداختند.

- های کارگری درکشوارهای مختلف جهان با اعتصابیون اکوادور اعلام همبستگی نموده و با گسیل هیئت‌های کارگری از این کارگران حمایت و پشتیبانی نمودند. از جمله می‌توان به اقدامات اتحادیه کارگران غیر ماهردانمارک و شورای سراسری اتحادیه‌های کارگری در آمریکا اشاره کرد که فعالانه اخبار مبارزات کارگران را به گوش جهانیان رسانده و با کمک‌های مادی و معنوی خود به ادامه این مبارزه یاری می‌رسانند.

### \* اعتساب کارگران در کره جنوبی

دور جدیدی از مبارزات کارگران در کره جنوبی آغاز شده است. مقامات دولت این کشور، که در این روزها مشغول برگزاری مسابقات جام جهانی فوتبال هستند، از کارگران خواستند که در طول برگزاری این مسابقات از برگزاری هرگونه اعتساب و حرکت اعتراضی خودداری کنند تا به اعتبار "بین‌المللی" این کشور خدشه ای وارد نشود. این نمایندگان بی‌شروع سرمایه‌داران یا نمی‌دانند، یا خود را به نفهمی می‌زنند که این در واقع سرکوب همه جانبه و تام و تمام کارگران کره‌جنوبی است که اعتباری برای سرمایه‌داران این کشور نگذاشته و این مقاومت و مبارزه جوئی قهرمانانه کارگران است که موجب افزایش اعتبار و نقش این بخش از طبقه کارگر جهانی در میان هم‌نجیران خود شده است. در پاسخ به این عوام‌فریبی سرمایه‌داران بیش از ۶۵ هزار نفر از کارگران فلز کار، بیمارستانها و خدمات شهری روز ۲۲ ماه می‌دست به یک اعتساب ۴ ساعته زده و خواستار کاهش ساعت کارهفتگی از ۴۴ ساعت به ۴۰ ساعت و توقف خصوصی سازی‌ها شدند. در این روز هزاران کارگر اعتسابی در خیابان‌های شهر سُؤل راه پیمایی کرده و اعلام نمودند که مبارزات فوتبال نیز تعطیل نخواهد شد.

### \* اعتراض به حضور جورج بوش در اروپا

امپریالیسم آمریکا که در تلاش است بار دیگر دست به یک جنگ تجاوز‌کارانه در منطقه خاور میانه علیه عراق بزند، به اروپا سفر نمود تا ضمن جلب حمایت قدرت‌های امپریالیست اروپایی، آنها را وادار که بخشی از هزینه‌های این جنگ را متقابل شوند. وی در اواخر ماه مه از چند کشور اروپایی دیدن نمود. در این سفر در شهرهای برلین، مسکو، پاریس اقامت گزیده و در مورد سیاست‌های امپریالیست‌های امریکایی با همپایگان اروپایی به بحث و تبادل نظر پرداخته و در آخر با شرکت

### \* اکوادور: سرکوب و کشتار کارگران

کشور اکوادور یکی از بزرگترین تولیدکنندگان موز در جهان محسوب می‌شود. هر ساله میلیون‌ها تن موز توسط بیش از ۳۰۰ هزار کارگر کشاورزی در مزارع کشت موز، چیده و بسته‌بندی شده و به اغلب کشورهای جهان صادر می‌شود. به این ترتیب کارگران مزارع کشت و صنعت این کشور رفته رفته به یکی از بزرگترین بخش‌های طبقه کارگر اکوادور تبدیل می‌شوند. اما این کارگران از وضعیت ویژه‌ای برخوردار هستند. ممنوعیت عضویت در اتحادیه‌های کارگری، فقدان فراردادهای دسته جمعی و به کارگری پیش از پیش زنان و کودکان در این بخش، دست سرمایه داران را برای استثمار و حشیانه این کارگران بازگذاشته است. در اعتراض به این شرایط غیر انسانی موج جدیدی از مبارزات کارگران در اوایل ماه مارس آغاز شد. در روزهای آغازین این ماه، هزاران کارگر دست از کار کشیدند و خواستار به رسمیت شناخته شدن حق خود برای عضویت در اتحادیه کارگران و تعیین شرایط کار از طریق قراردادهای دسته جمعی شدند. سرمایه داران، این بار هم وحشیانه به کارگران اعتسابی حمله کرده و ۲۵ نفر از رهبران این اعتساب را به زندان و شکنجه کشیدند. این حرکت سرکوبگرانه اما خلی در عنم جرم کارگران وارد نکرده و در پاسخ به این حرکت، تمامی ۱۲۰۰ کارگر مزرعه Los Alamos، از ایکار کشیدند. ماه می به مدت نامعلوم دست از کارگران کارگران، این مزرعه بزرگ را، که به کاندید ریاست جمهوری این کشور تعلق دارد، اشغال کرده و راههای منتهی به این مزرعه را تحت کنترل خود راوردند. اعتصابیون سپس اعلام نمودند که علاوه بر خواسته‌های فوق باید تمامی رفاقتی زندانی‌آنها نیز از زندان سرمایه داران آزاد شوند. اما سرمایه داران سرکوب و بیرون راندن کارگران اعتسابی را در دستور کارخود قرار دادند. یکی از اقدامات سرکوب گرانه صاحب این مزرعه، به خدمت گرفتن گروههای شبه نظامی بود که مداوماً کارگران اعتسابی را مورد حمله قرار داده، به زنان کارگر تجاوز کرده و با گشودن آتش‌گله، ۹ نفر از اعتصابیون را زخمی کرده و روانه بیمارستان ساختند. این سرکوبگری نیز نتوانست کارگران را به عقب نشینی و ادار نماید. از سوی دیگر جمعی از اتحادیه

## نخستین سال دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی تائیدی بر آنچه که درگذشته بود

گانه جبهه دوم خرداد است با بیانیه ای در همین روزها خواستار تبدیل ۱۸ خرداد به روز رفراندم شد! سرانجام خاتمی روز ۱۴ اردیبهشت، دو روز پس از آغاز ثبت نام به وزرات کشور رفت و نام خود را برای دومین بار در دفتر نامزد های هشتمین دور انتخابات ریاست جمهوری ثبت کرد. دو جناح رژیم که به شدت از افزایش تحریم کنندگان در هراس بودند بار دیگر دست به دست هم دادند. در اینجا بود که روز ۹ خرداد ۱۳۸۰، مجلس شورای اسلامی با تصویب یک طرح سه فوریتی در حضور اعضای شورای نگهبان، ۷ میلیون "رأی اولی" را بر تعداد واحدین شرایط افزود. روز ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ هم انتخابات بی رمق هشتمین دور برگزارشد و خاتمی بدون هیچگونه حادثه غیرمتوجهه - ای برمیست خود باقی ماند. هرچند به دلیل وارد کردن همان "رأی اولی" ها تعداد آرای خاتمی از ۲ خرداد ۱۳۷۶ بیشتر بود اما بیش از ۱۴ میلیون نفر انتخابات ضد دمکراتیک رژیم را تحریم کردند. پیش از آن که مسئله دولت جدید خاتمی در دستور کارباشد، دوم خردادیها موضوعاتی را در مجلس شورای اسلامی مطرح کردند که یکی از آنها تحقیق و تفحص از صدا و سیما بود. این طرح که روز ۲۱ خرداد ۱۳۸۰ مطرح شد به هیچ نتیجه ای نرسید و یک سال پیasz طرح آن به بوته فراموشی سپرده شده است. دوم خردادیهای مجلس، سه روز بعد از این تاریخ بامخالفت شورای نگهبان بامصوبه شان در مورد سرمایه‌گذاری خارجی روپرو شدند و در این باره هم نتوانستند کاری را به پیش بزنند. دوم خردادی های مجلس در اوایل تیرماه هم دست به میک عقب نشینی دیگر زدند و طرح خود را برای تغییر شرایط انتخاب حقوق دانان شورای نگهبان که می‌باشد گرفتند. در همین دوران بود که دوم خردادی ها مناقشه دیگری را با جناح رقیب داشتند که از آن هم شکست خورده بیرون آمدند. این مناقشه در رابطه با اجرای احکام قضائی اسلامی از قبیل شلاق زنی و قطع عضو و سنگسار و اعدام در ملاء عام بود. دوم خردادیها که مانند جناح رقیب نمی‌توانند مخالف احکام قضائی منطبق با شرع اسلام باشند، تنها خواهان اجرای پنهانی آنها بودند که در این زمینه هم توفیقی کسب نکردند. در حالی که روز ۱۱ مرداد ۱۳۸۰ دور دوم ریاست جمهوری خاتمی می‌باشد شروع می‌شد و با توجه به این که روز ۱۳

قلابی درون وبرون حکومتی را مورد مذاقه قرار دهیم، به راحتی در می‌باییم که آنان در پی توجیه شکست قطعی اصلاحات در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی و خریدن چند صباحی عمر اضافی برای آن هستند. رویدادهای سیاسی ۵ سال گذشته در ایران، درستی و صحت تحلیل های سازمان ما را در مورد اصلاح ناپذیری رژیم جمهوری اسلامی نشان دادند. ما برای اجتناب از تکرار، به بررسی شکست اصلاحات جناح خاتمی در دور نخست ریاست جمهوری وی نمی‌پردازیم وبا نگاهی اجمالی به آن چه در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ تا کنون روی داده دروغین و بی اساس بودن امکان اصلاحات در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی و ماهیت تقلیبی کارگزاران و مدعيان اصلاح طلبی را از نظر می‌گذرانیم.

چند ماه پیش از خرداد ۸۰، اصلاح طلبان چنین شایع کرده بودند که خاتمی احتملاً دیگر خود را برای بار دوم نامزد نخواهد کرد، زیرا موضع و بحرانهای فراوانی برای به سرانجام رساندن اصلاحات موجود است. البته اگر خاتمی به اندازه یک سرسوزن به تغییراتی هر چند جزئی می‌اندیشید و نه اگر تمام هم و غمّ حفظ وضعیت موجود نبود، دلایل فراوانی برای نامزد نشدنش وجود داشت. از همان اردیبهشت ۸۰ یک رشته تهاجم به طرفداران دوم خرداد شروع شده بود. از جمله فراخواندن معاعون سیاسی و مسئول ستاد انتخابات وزرات کشور، و مصطفی تاج زاده، به دادگاه در روز چهار اردیبهشت در رابطه با وقایع اردبیل تحریک وحدت در خرم آباد که به انفال وی از خدمت در ۱۲ اردیبهشت که روزنخست ثبت نام کاندیداها بود، منجر شد. چند دوم خردادی دیگر از جمله محمد جواد اکبری و عمید نائینی، مدیر مسئول نشریه پیام امروز، که روز ۱ اردیبهشت زندانی شدند یا محکمه مدیر مسئول نشریه عصر ما که از ۱۲ اردیبهشت شروع شد، نیز در همین راستا بود. در زمینه بگیر و بندهای طرفداران دوم خرداد، می‌توان هم چنین به بازداشت و حبس ملی- مذهبی ها در همین دوران اشاره کرد. از سوی دیگر روز ۵ اردیبهشت انصار حزب الله سخنرانی بهزادنبوی، نایب رئیس مجلس را برهم زدند و غیره. اما در همین گیرودار هردو جناح رژیم به گرم کردن تنور انتخابات ریاست جمهوری همت گماردند. خامنه ای که در اواسط اردیبهشت به رشت رفته بود، از مردم خواست تاهرچه و سیع تر در انتخابات شرکت کند و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم که از گروههای هجده

**فجایعی که نظم سرمایه داری و حکومت اسلامی به بار آورده اند**

- اجتماعی است که بپرایه استثمار انسان از انسان قرارگرفته وتشدید آهانگی نظام سیاسی پاسدار - های فوق ارتজاعی نظم سیاسی اسلامی معطلات لایحل نیستند. آنها را می توان حل کرد اما نه در جایی که سود واستثمار حاکم است، نه در جایی که رژیم ارتजاعی برمردم حکومت می کند، بلکه در جایی که انسان های زحمتکش خود بر مقدرات خویش حاکماند و ستمگران و استثمارگران از اریکه قادر به زیر کشیده شده اند. ابعاد فقر و گرسنگی، بیکاری، اعتیاد، فحشاء، خودکشی و دیگر مصائب اجتماعی در ایران امروز تا بدان حد است که حتی اپوزیسیون بورژوائی رژیم و منتقدین درونی آن نیز ضمن این که این پدیدهها را دلیلی بر شکستها و ناتوانی - های رژیم می دانند، برای جلب حمایت توده مردم، ادعای حل این معطلات اجتماعی را دارند. اما این یک دروغ آشکار است. فقر و بیکاری، اعتیاد، فحشاء و امثالهم از نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری جدا نیستند. خواه در آمریکا و اروپا باشد یا در ایران. گیریم که در کشورهای مختلف سرمایه داری، بسته به اوضاع اقتصادی و سیاسی شدت و ضعف داشته باشد. در هر کجا که استثمار سود و سرمایه حاکم است، این پدیدهها وجود خواهد داشت. تنها کسانی بافق، گرسنگی، بی خانمانی، ولگردی، اعتیاد، فحشاء و غیره واقعاً مخالف اند، برای برانداختن آنها مبارزه می کنند و راه حل قطعی آنها را رائه می دهند که مخالف سرمایه داری اند، با این نظام مبارزه می کنند و برای استقرار یک نظام سوسیالیستی تلاش می نمایند. راه حل تمام فجایع و مصائبی که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران نیز پیدا آورده است، در همین است. تنها سوسیالیسم می تواند به عنوان بدیل نظام سرمایه داری، عوایق اجتماعی این نظام را نیز از میان بردارد.

### کمک های مالی رسیده

دانمارک

هوشنگ احمدی ۱۰۰ کرون دانمارک

برلین

شهره صبوری ۲۰ یورو

## نخستین سال دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی تائیدی بر آنچه که درگذشته بود

ازصفحه ۲

### یک اقدام بی‌شمامه!

جهانی کار و نقش آن در نظام سرمایه داری جهانی می‌تواند موضوع بحث و یا مقاالت مستقلی باشد، اما در اینکه این نهاد بین‌المللی زیر نفوذ دول امپریالیستی و سرمایه بین‌المللی است و در اساس مجری و پیش‌برنده سیاست‌های سرمایه داری جهانی است هیچ جای تردیدی نیست. معهداً نباید فراموش کرد که استانداردهای بین‌المللی کارو مقاوله نامه‌های سازمان جهانی کار، که بی شک ثمره دهها سال مبارزه طبقه کارگر جهانی است، با آنچه که در جمهوری اسلامی می‌گذرد، در بسیاری از موارد خوانائی ندارد و ضوابط و معیارهای حاکم بر شرایط و حقوق کار، در جمهوری اسلامی، تماماً عقب‌تر از این معیارها واستانداردهاست. به عبارت دیگر در جمهوری اسلامی نه فقط معیارها و استانداردهای بین‌المللی و اصول پایه‌ای سازمان جهانی کار رعایت نمی‌شود و اصول و حقوق بین‌المللی کار دایماً نقض شده است و می‌شود، بلکه جمهوری اسلامی، کارگران را ازابتداً ترین حقوق خویش نیز محروم ساخته است.

خارج ساختن جمهوری اسلامی از فهرست نقض کنندگان اصول و حقوق بین‌المللی کار، نه فقط خاک پاشیدن برچشم کارگران ایران است، بلکه نقض اصول و معیارهای سازمان جهانی کارهم هست. کارگران ایران این اقدام بی‌شمامه را محکوم می‌کنند.

ازصفحه ۲

### خبری از ایران

استانداری، اعلام نموده اند که به تهران خواهیم رفت و در آنچه اعتراض‌مان را ادامه خواهیم داد.

### \* تجمع اعتراضی کارگران اخراجی

روز شنبه یازدهم خرداد ماه، دهها تن از کارگران گروه صنعتی کفشهایی در اعتراض به اخراج خویش، در برابر اداره کار رژیم دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که هر یک از ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند از خردادماه سال جاری اخراج شده‌اند. کارگران اخراجی، طی این اقدام اعتراضی، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت خود و بازگشت به کار شدند.

تجمع مهم معلمان در ۲۵ دی ۱۳۸۰، دوم خردادیها و جناح رقیشان آنان را به اعتقال و فرستادن به دولت برای حل مشکلات فراخواندند. تظاهرات مشترک معلمان، دانشجویان و کارگران در ۲ بهمن هردو جناح را در هر دو روز ۶ و ۷ دی وقتی معلمان قصد تجمع در مقابل کاخ ریاست جمهوری را داشتند، نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به آنان حمله برداشتند و دهها نفر را خسارت دادند. دوم خردادیها در روزنامه‌های ایشان از قبیل نوروز این سرکوب و حشیانه را با "غیرقانونی" خواندن آن عمل تأیید نمودند.

روز ۲۸ فروردین ۱۳۸۰ نیز رژیم جمهوری اسلامی یک اعتراض دیگر را در شهر فردوس سرکوب کرد. گلوله باران تظاهرات مسالمت آمیز مردم فردوس در اعتراض به طرح تقسیم خراسان با کشته شدن حداقل یک نوجوان ۱۴ ساله نامه نام مهدی تجلی و یک جوان ۲۶ ساله به نام هادی احمدی باردیگر ماهیت سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا کرد.

این خلاصه‌ای از رویداهایی بود که از اندکی پیش از "انتخاب" دوپاره خاتمی تا پایان نخستین سال دومین دور ریاست جمهوری اش به وقوع پیوسته اند. تنها مرور این وقایع و سرکوب جنبش‌های توده‌ای و کارگری از جمله یورش پلیس به اجتماع اعتراضی کارگران گران چیت سازی بهشهر در ۲۲ آبان ۱۳۸۰ یا آتش‌گشودن نیروهای ضد شورش به سوی کارگران شادان پور و چامکو در ۲۴ تیر ۱۳۸۰ یا سرکوب کارگران بارش اصفهان در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۰ نشان می‌دهند که داعیه‌های "مردم سالاری" و اصلاح طلبی دوم خردادیها یاوه‌ای بیش نیست.

کارنامه یک سال اخیر دوم خردادیها نیز به وضوح نشان از اصلاح ناپذیری رژیم جمهوری اسلامی دارد. توده‌های کار و زحمت ایران به خوبی دریافتند که برای تحقق مطالبات برحق سیاسی، صنفی و اجتماعی خود به هیچ عنوان نمی‌توان به طیف‌ها و جناح‌های رژیم مبارزه و فرارویی آن به یک اعتساب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بساط رژیم جمهوری اسلامی را در کلیش برچید. اما شرط تحقق تمام این مطالبات، برپایی شوراهای واقعی توده‌های کارگر و زحمتکش در هر کارخانه، کارگاه، محله، مدرسه، دانشگاه و موسسه است تا خود توده مردم زمام امور کشور و اداره امور را به دست بگیرند. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی کوتاه‌ترین و کم هزینه‌ترین راه برای تحقق مطالبات برحق توده‌های مردم ایران است.

مرداد یک نفر از شش حقوق دان شورای نگهبان در مجلس رای آورده بود، خامنه‌ای باردیگر "حکم حکومتی" صادر کرد و مراسم تحلیف خاتمی را منوط به تعیین تمام حقوق دانان این شورا نمود و طبق معمول، نماینده‌گان "ملتزم به ولایت فقیه" دستور تازه خامنه‌ای را پذیرفتند.

دوم خردادیها که گفته بودند که دولت دوم خاتمی باید انطباق بیشتری با اصلاحات داشته باشد، در روز ۲۱ مرداد با کابینه‌ای مواجه شدند که تقریباً استخواره بود. روز ۲۴ مرداد محتشمی پور، رئیس فراکسیون گبهه دوم خرداد در مجلس به خبرنگاران گفت که گبهه مشارکت اسلامی از اعضا شورای مرکزی خود خواسته است که علیه وزیران پیشنهادی خاتمی سخن نگویند. روز ۲۸ مرداد احمد بورقانی که عضو فراکسیون مشارکت مجلس است از کابینه پیشنهادی به نام حلال بحران وفاق در جامعه نام بود و وقتی مجلس به کابینه خاتمی رای داد محسن میردامادی گفت: "خاتمی آنقدر از ناحیه‌های دیگر تحت فشار است که دیگر مجلس نباید او را تحت فشار قرار دهد".

دوم خردادیها و به ویژه نماینده‌گانشان در مجلس شورای اسلامی پس از اعتراضات مردم سبزوار در ۸ شهریور ۱۳۸۰ علیه طرح تقسیم خراسان نشان دادند که در صورت چنین اعتراضاتی هیچ اختلافی با جناح رقیب ندارند و با "اغتشاش گر" خواندن مردم معارض از سرکوب، حمایت و پشتیبانی کردند. در این اعتراضات دست کم یک جوان کشته و ۱۵۴ انفراد تغییر شدند. دوم خردادی‌ها همین برخورد را نسبت به جوانانی داشتند که پس از پایان مسابقه فوتبال از فرستاد که دست آمده استفاده کرده و با سرازیرشدن به خیابان‌های علیه رژیم تظاهرات کردند. وقتی نیروهای انتظامی فقط در تهران ۴۰۰ نفر را در ۲۰ مهر ۱۳۸۰ روزنامه دوم خردادی نوروز جوانان معارض را "روان پریش و غیر اجتماعی" توصیف کرد. وقتی پس از احضار و بازجویی‌های متعدد چند نماینده مجلس، سرانجام نخستین نماینده "مجلس اصلاحات" یعنی حسین لقمانیان روز ۴ دی ۱۳۸۰ روانه زندان شد، باز هم دوم خردادی‌ها خفت دیگری را پذیرا شدند. و از ولی فقیه تقاضای "عفو" وی را نمودند. جناح به اصلاح، اصلاح طلب رژیم جمهوری اسلامی باره‌هاد رچند سال گذشته نشان داده است که به محض نضج یک اعتراض توده ای، در سرکوب و خاموش کردن آن، دست کمی از جناح رقیب ندارد. در یک سال گذشته نمونه بارز چنین وحدتی بین دو جناح در سرکوب اعتراضات معلمان رخ داد. پس از نخستین

## قطعنامه علیه تهاجمات امپریالیستی و صهیونیستی علیه اعراب

امضاء کنندگان این قطعنامه ضمن حمایت از مبارزات مردم علیه ترور و سرکوب در مناطق اشغالی، اقدامات وحشیانه و ددمنشانه اسرائیل و آمریکا را محاکوم نموده و خواهان برقراری یک دولت مستقل فلسطینی، بازگشت بی قید و شرط آوارگان عرب و آزادی کلیه زندانیان سیاسی شدند.

حمایت کنندگان این قطعنامه عبارتند از:

- مجمع ضد کاپیتالیستی - ایتالیا
- انجمن پناهندگان آمریکای لاتین و کارائیب در بلژیک
- مرکز همبستگی با فقراء - برزیل
- هماهنگی کمونیستی - فرانسه
- حزب کمونیست کوبا
- حزب کمونیست هند (م-ل)
- حزب کمونیست کارگران و دهقانان - پاکستان
- سازمان راه سوسیالیستی - آمریکا
- انجمن کارل مارکس - مجارستان
- حزب کمونیست (م-ل- انقلابی) - سوئد
- فروم متراقی خلق نپال
- حزب نوین کمونیست - هلند
- سازمان فدائیان (اقلیت) - ایران
- گروه اشده و نور - آمریکا
- حزب کمونیست انقلابی - بریتانیا (م-ل)
- جنبش آزادیبخش انقلابی خلق ترکیه-DHKC
- حزب کمونیست کارگران در روسیه
- حزب کمونیست کارگران - نروژ
- حزب کار بلژیک

به جای خود آزاد بودن، بکوشید  
چنان سامانی بدھید، که همگان آزاد باشند  
و به عشق ورزی به آزادی نیز  
نیازی نباشد.

به جای خود خردمند بودن، بکوشید  
چنان سامانی دھید، که نابخردی  
برای همه و هر کس  
سودایی شود بی سود.

(برتولت برشت)

## قطعنامه در باره

### زندانیان سیاسی در نپال

... در این قطعنامه امضاء کنندگان ضمن محکوم نمودن توسعه طلبی امپریالیستها، سرکوب مبارزات توده ها، کشتارهزاران تناز روشنفکران نظامیان و کشتارهزاران تناز روشنفکران انقلابی، خواهان تضمین جانی برای ناپدید شدگان شدند.

امضاء کنندگان :

- انجمن ضد کاپیتالیستی ایتالیا
- مرکز برزیلی همبستگی با فقراء - برزیل
- عمل چاد برای اتحاد و سوسیالیسم
- حزب کمونیست (م- ل - انقلابی) سوئد
- حزب کمونیست آلبانی
- حزب کمونیست کوبا
- حزب کمونیست آلمان
- حزب کمونیست هند (م- ل) جاناشاکی
- حزب کارگران و دهقانان - پاکستان
- کمونیست ها در مبارزه - فرانسه
- ال ماجه ته - مکزیک
- حزب کارگر جمهوری کنگو
- سازمان سوسیالیستی راه آزادی - آمریکا
- جامعه کارل مارکس
- بازسازی کمونیستی - ایتالیا
- جبهه دمکراتیک فیلیپین
- حزب نوین کمونیست - هلند
- سازمان فدائیان (اقلیت) - ایران
- گروه اشده و نور - آمریکا
- مقاومت کمونیستی - کلمبیا
- جنبش آزادیبخش انقلابی خلق ترکیه-DHKC
- حزب کارگران کمونیست - روسیه
- انجمن استالین - انگلستان
- حزی کارگران کمونیست - نروژ
- حزب کار بلژیک

## قطعنامه ها

در سمینار بین المللی کمونیستی که طی روزهای ۲ الی ۵ مه سال جاری در بلژیک برگزار شد، سازمان ما به حمایت از چند قطعنامه مصوب این اجلاس پرداخت. متن قطعنامه در محکومیت اتحادیه اروپا در "تربیت" خواندن ۲ سازمان سیاسی، در شماره قبل درج گردید. خلاصه ۳ قطعنامه دیگر در زیر می آید:

\*\*\*\*\*

## قطعنامه بی رامون خروج

### فوری و بی قید و شرط نیروهای

### نظامی آمریکا از فیلیپین

... امضا کنندگان این قطعنامه ضمن محکوم کردن مداخله نظامی آمریکا در فیلیپین، خواهان خروج قریب به ۴۰۰ نیروی نظامی آمریکایی از این کشور شدند ... و از مبارزات مردم در مخالفت با حضور نیروی نظامی آمریکا ابراز همبستگی نمودند.

امضا کنندگان این قطعنامه عبارتند از:

- فروم ضد امپریالیستی - انقلابی نپال
- حزب کمونیست هند (م- ل) - جاناشاکی
- حزب کمونیست کارگران و دهقانان - پاکستان
- جامعه کارل مارکس - مجارستان
- حزب کمونیست (م- ل - انقلابی) سوئد
- فروم متراقی خلق نپال
- سازمان فدائیان (اقلیت) - ایران
- گروه اشده و نور - آمریکا
- جبهه رهائی بخش انقلابی خلق ترکیه-DHKC
- انجمن استالین - انگلیس
- حزب کمونیست کارگران بلژیک - AKP
- حزب کار بلژیک

نیکی را چه سود  
هنگامی که نیکان، درجا سرکوب می شوند،  
و هم آنان که دوستدار نیکانند؟

آزادی را چه سود  
هنگامی که آزادگان،  
باید میان اسیران زندگی کنند؟

خرد را چه سود  
هنگامی که جاھل، نانی به چنگ می آورد،  
که همگان را بدان نیاز است؟

## نیکی را چه سود؟

به جای خود نیک بودن، بکوشید  
چنان سامانی دھید، که نفس نیکی ممکن شود  
یا بهتر بگوییم  
دیگر به آن نیازی نباشد.

**جدائی دین از دولت، جدائی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است**

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

**K.A.R**  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

**Kar**  
Postfach 260  
1071, Wien  
Austria

**I.S.F**  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

**M.A.M**  
Postbox 1144  
75141 Uppsala  
Sweden

**Sepehry**  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

**A.A.A**  
MBE 265  
23, Rue L'ecourbe  
75015 Paris  
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

**I.W.A**  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره های فکس

#### سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۱۹۶۷  
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱  
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

### خلاصه گزارش عفو بین الملل از شکنجه و اعدام در ایران

سازمان عفو بین الملل در گزارشی که در ماه آوریل در باره ایران منتشر داد، به موارد متعددی از نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی اشاره کرد و اسامی ۱۶ تن از زندانیان سیاسی کرد و عرب را که شکنجه و اعدام شده اند و یا خطر اعدام آنها را تهدید می کند، منتشر ساخته است که به این قرارند:

محمد شرورانی، خالد فردونی، نادرافانی،  
حسن محمودی، خالد شوقی، خدر ویسی،  
صالح گودرزی، رسول عبدالله پور، جلیل  
زواوی، محمد اسماعیل زاده، محمد مهدی،  
فدویل مقدم، رحیم سواری، امیر سعیدی،  
هاشم باوی، عباس شرحانی.

بنابهاین گزارش، یکی از پناهندگان کرد که در سال ۱۹۹۸ توسط دولت ترکیه به دولت ایران تحويل داده شد و ۵ تن از فعالان سیاسی عرب اعدام شده اند.  
۵ تن از فعالان سیاسی عرب در تاریخ ۲۷ زانویه ۲۰۰۲ به دار اویخته شدن، ۵ تن نیز به نام های فدحی مقدم، رحیم سواری، امیر سعیدی، هاشم باوی و عباس شرحانی به اعدام محکوم شده اند.  
یکی از اعضای سابق حزب مکرات کرده است به نام کریم توچحالی در زانویه ۲۰۰۲ در زندان مهاباد به دار اویخته شد.  
۱۱ تن دیگر از مبارزان کرد را نیز خطر اعدام تهدید می کند. سه تن از این افراد هم اکنون در زندان مهاباد به سر برند.  
اسامی این ۳ تن عبارت است از: محمد شروانی، خالد فردونی و نادر افانی.

سه تن دیگر در زندان ارومیه هستند:  
حسن محمودی ۲۷ ساله که در سال ۱۹۹۷ یا ۱۹۹۸ دستگیر و شکنجه و در سال ۱۹۹۹ به اعدام محکوم شده است.  
افراد دیگری از جمله صالح گودرزی که در زندان سنتنگ محبوس است، جلیل زراعی که سال ۱۹۹۳ هنگامی که ۱۸ سال داشت دستگیر شد هنوز در زندان است. رسول عبدالله پور و انور علی زاده و محمد اسماعیل زاده نیز سالها در زندان بسمری برند.  
خطر اعدام محمد مهدی را که در ارتباط با کولمه فعالیت می کرده از سال ۱۹۹۲ دستگیر شده و ۳۲ سال دارد، تهدید می کند او در اثر فشارها شدید جسمی و روحی وارد در زندان، از بیماری اعصاب رنج می برد.

### مبارزات مشترک زنان فلسطینی و اسرائیلی برای صلح و حمایت بین المللی از آن

به دنبال تشدید حملات اسرائیل در مناطق اشغالی و کشتار و سرکوب مردم فلسطین، از اواخر ماه مه، سازمانهای زنان فلسطینی با فراخوان به سایر گروههای زنان جهان و نیروهای آزادیخواه، خواهان اعتراف بین المللی و شکستن سکوت علیه جنایات اسرائیل شدند.  
در اولین اقدام ۱۱ سازمان زنان فلسطینی با صدور فراخوانی، نخست از خواهان اسرائیلی خود خواستند تا از مبارزه آنها حمایت کنند و متعاقباً نیروهای صلح دوست جهان را به همبستگی با مبارزات مردم فلسطین دعوت نمودند.

در پی این تلاشها در اوائل ماه روزن، کمیته هماهنگی زنان اسرائیل که متشکل از هفت سازمان زنان اسرائیلی (عمدتاً چپ) می باشد از فراخوان فوق حمایت نموده و با تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل در اسرائیل، خواهان خروج فوری و بی قید و شرط اسرائیل از مناطق اشغالی، تحریم اقتصادی علیه اسرائیل و پایان دادن به کشتار و سرکوب فلسطینیان شدند.

ازسوی دیگر سازمانهای زنان در سایر نقاط جهان از جمله روسیه، بلگراد، آرژانتین، کانادا، بلژیک، سوئیس، برگزاری آکسیون - هایی در مقابل سفارت اسرائیل با دفتر سازمان ملل از خواستهای زنان فلسطینی مبنی بر برقراری فوری و بی قید و شرط صلح در منطقه، حمایت نمودند.

در بخشی از قطعنامه مشترکی که به امضاء سازمانهای فوق رسیده، آمده است: "... نظر به این که زنان و کودکان متعاقب حملات وحشیانه اسرائیل از خانه و کاشانه آواره می شوند ... نظر به این که بهداشت و درمان، آب آشامیدنی و غذا به روی زنان فلسطینی بسته شده است ... نظر به این که زنان داغ جگر گوشه گان ناپدید شده خود را بردل دارند ... ما خواستار خروج بی قید و شرط نیروهای اسرائیل و پایان دادن به قتل عام مردم بی دفاع فلسطینی هستیم ... ما خواهان تحریم اقتصادی علیه اسرائیل هستیم ... ما از نهادهای بین المللی، سازمانهای آزادیخواه جهان می خواهیم که سکوت خود را علیه جنایات اسرائیل بشکنند".

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

|<http://www.fedaian-minority.org>

E-Mail :  
[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)

**KAR**

Organization Of Fedaian (Minority)

No.383 juni 2002

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت سورائی**